

تحلیل محتوای نامه‌های امام‌های علی علیه السلام به کارگزاران با محور اصول حکمرانی

علیرضا نوبری ، سیدشهاب الدین یعقوبی هیق

چکیده

در این پژوهش، اصول ابلاغی حکمرانی در تراز اسلامی با محور قراردادن نامه‌های حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود در نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور از روش تحلیل محتوا با تأکید بر رویکرد کمی، استفاده شده است. بر اساس تحلیل‌های کیفی صورت گرفته و با توجه به فراوانی داده‌های آماری موجود در این نامه‌ها پانزده اصل حکمرانی استخراج شد. با این فرض که میزان پرداخته شدن به هر کدام از آنها در تعداد قابل توجهی از نامه‌ها، می‌تواند مقدار اولویت هر اصل را نشان دهد به تنظیم و اولویت‌بندی این اصول اقدام شده است. اصول به دست آمده در ذیل دو دسته کلی؛ اصول مشترک با اصول حکمرانی خوب و اصول خاص حکومت علوی قرار داده شده است و سیاست‌های مربوط به هر یک از این اصول با تأکید بر داده‌های آماری و تحلیل‌های کمی مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت معلوم شد دو سوم اصول ابلاغی حضرت علی علیه السلام از لحاظ هدف‌ها و عنوان‌های کلی با اصول حکمرانی خوب همخوانی دارد و بیشترین تفاوت در اصول عقیدتی و معنوی است. همچنین در موارد مشترک اصول مرتبط با کارایی و اثر بخشی بیشترین تکرار را در نامه‌های حکومتی داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: حضرت علی علیه السلام، نامه‌های نهج البلاغه، اصول حکمرانی، روش تحلیل محتوا، حکمرانی خوب.

استادیار اخلاق و آشنایی با منابع اسلامی دانشگاه تهران ، a.nobari@ut.ac.ir

دانشجوی دکتری اخلاق و آشنایی با منابع اسلامی دانشگاه تهران، shahabyaghoubi@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۸

مقدمه

زمینه‌های گوناگونی سبب می‌شود برای اداره اجتماعات انسانی حکومت یا دولت تشکیل شود، مانند طبع اولیه انسان (ارسطو، ۲۰۰۸م: ۹۵) یا ترس از وقوع جنگ و درگیری (هابز، ۱۳۸۰: ۱۶۳). این حکومت‌ها معمولاً تلاش می‌کنند تا نیازمندی‌هایی مثل امنیت، امکانات رفاهی، نظم اجتماع، رشد، سلامت و غیره را برای مردم خود فراهم کنند.

برای رسیدن به چنین اهدافی، شیوه‌های مختلفی از حکمرانی توسط حکمرانان به کار گرفته شده است. طبق یک تقسیم، این شیوه‌ها به سه دسته حکومت فرد، طبقه‌ای خاص و مردم بر مردم تقسیم شده است. (ماکیاولی، ۱۳۷۷: ۴۲)

روش‌های حکمرانی نیز در دوره‌های مختلف زندگی بشر دستخوش تغییرات زیادی بوده است و هر حکومتی برای تحقق اهداف خود سیاست‌هایی را در پیش می‌گرفته است. امروزه برخی نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل و بانک جهانی برای تحقق اهدافی از جمله توسعه اقتصادی، سیاست‌هایی را برای حکمرانی در کشورهای مختلف پیشنهاد می‌کنند. در همین رابطه، کمیسیون اقتصادی - اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام برای توسعه پایدار کشورها مجموعه دستورالعمل‌هایی با عنوان اصول حکمرانی خوب پیشنهاد داده است. (Kioe Sheng, 2009: 1-3)

جامعه اسلامی نیز در طول تاریخ حکومت‌های مختلفی را به خود دیده است. در این میان حکمرانی حضرت علی علیه السلام با تراز معصومانه، در طول سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هجری قمری، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران عرصه سیاست‌ورزی اسلامی بوده است. شیوه حکمرانی ایشان با توجه به جایگاه ویژه ایشان به عنوان امام اول شیعیان و خلیفه چهارم از نظر اهل سنت و همچنین نزدیکی به دوره صدر اسلام بسیار حائز اهمیت است.

وی در ضمن مکاتباتی که با کارگزاران خود در گستره وسیع حکومت اسلامی داشت، اصول و سیاست‌هایی برای حکمرانی ابلاغ می‌کرده است. شناخت این اصول و میزان اولویت هر یک از آنها نسبت به یکدیگر و همچنین اولویت سیاست‌گذاری در راستای اجرای هر کدام از آنها، اهمیت بسیاری در درک درست خصوصیات و شاخصه‌های حکومت علوی به عنوان یک حکومت در تراز دینی دارد. علاوه بر آن، تحلیل این نامه‌ها می‌تواند نشان دهد اصول ابلاغی حکمرانی توسط امام علی علیه السلام چه مقدار با اصولی که امروزه برای حکمرانی کشورها مطلوب تلقی می‌شود اشتراک و تا چه اندازه اختلاف دارد.

پیش از این حکومت‌داری حضرت علی علیه السلام از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از این جنبه‌ها اصول حاکم بر حکومت‌داری وی بوده است. مانند:

- رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۸۵). «منشور حکومت دینی در نهج البلاغه»، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، آذر- اسفند، شماره ۶۱ و ۶۲.

در این پژوهش به شاخصه‌های تمایز حکومت دینی و سکولار مانند، نشر معارف دینی، حاکمیت بخشیدن به ارزش‌های مسلم دینی، اجرای کامل احکام و مقررات دینی در جامعه پرداخته شده است؛ اما اینکه وظایف حاکمیت اسلامی تا چه اندازه با حکومت‌های غیردینی اشتراک دارد مورد بررسی قرار نگرفته است.

- مولایی نیا، عزت الله و محمود رضا توکلی محمدی، (۱۳۸۹). «تأملی در اصول اخلاقی حکومت علوی»، پژوهش نامه علوی، بهار و تابستان، سال اول، شماره ۱.

این مقاله با تمرکز روی نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر، به بررسی اصول مربوط به انسان دوستی و عدالت پرداخته‌اند؛ ولی در زمینه اصول حکمرانی دیگر و همچنین باقی نامه‌های امام علی علیه السلام در نهج البلاغه پژوهشی انجام نشده است.

- عبیات، عاطی و علی مطوری (۱۳۹۴). «عهدنامه مالک اشتر، بازتاب مدیریت قرآنی در نهج البلاغه»، قرآنی کوثر، تابستان، شماره ۵۴.

پژوهشگران این مقاله از پژوهش خود نتیجه گرفته‌اند، نامه امام علی علیه السلام به مالک اشتر مشتمل بر یک منشور حکومت‌داری است و تطابق زیادی با آموزه‌های قرآنی دارد. اما اینکه دیگر نامه‌های حکومتی ایشان نیز مشتمل بر اصول حکمرانی است یا خیر مورد بررسی قرار نگرفته است.

- یوسفی شیخ رباط، محمد رضا و فهیمه بابایی (۱۳۹۴). «طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی»، اقتصاد اسلامی، شماره ۵۷، ۳۱-۶۲.

در این پژوهش با محور قرار دادن نامه ۵۳ نهج البلاغه و مقایسه آن با نظریه حکمرانی خوب نتیجه گرفته شده است که همان اهداف حکمرانی خوب با ساختار و شیوه‌های متفاوت توسط امام علی علیه السلام دنبال می‌شده است و نیز توصیه به تقوا و عبودیت دفعات متعددی در این نامه تکرار شده است و این توصیه‌ها اثر زیادی در دفع فساد در حاکمیت

دارد. اما با توجه به روش داده بنیاد که در این پژوهش مورد استفاده بوده است، میزان تفاوت اصول مورد اشاره در عهدنامه با اصول حکمرانی خوب پرداخته نشده است.

این تلاش‌های علمی و دیگر پژوهش‌ها در زمینه اصول حکمرانی، یا با رویکردی خاص مثل اقتصاد یا مدیریت بوده، یا در محدوده‌ای خاص مثل یک یا چند نامه از نهج البلاغه انجام گرفته، یا روشی متفاوت برای آنها در پیش گرفته شده است، مانند روش داده بنیاد که رویکردی کیفی دارد. اما اینکه چه اصلی بیشتر تکرار شده و برای اجرای هر اصلی اعمال چه سیاست‌هایی در اولویت بوده است، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. تفاوت‌های دیگر این پژوهش با برخی از مقالات پیشین استنباط بدون پیش‌فرض اصول حکمرانی از متن نامه‌ها است، اگرچه در مرحله بعدی با اصول حکمرانی متداول مقایسه‌هایی صورت گرفته است. روش این پژوهش تحلیل محتوا با رویکردی کمی در گستره همه نامه‌های نهج البلاغه به کارگزاران است که در کمتر پژوهشی دیده می‌شود.

این پژوهش، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوا تلاش کرده است تا پاسخی درخور به این پرسش دهد: «از آنجا که نامه‌های حضرت علی علیه السلام به فرمانداران خود برای جهت‌دهی روند رفتارهای بدنه حکومت به سمت حکومتی با تراز اسلامی بوده است دربرگیرند چه اصولی و با چه اولویت‌هایی در فرایند حکومت‌داری است؟»

برای بررسی نامه‌های حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود، روش تحلیل محتوا به کار گرفته شده است. این شیوه با ویژگی‌های آمار محور، موجب می‌شود نتایج پژوهش با کمترین اثرپذیری از انگیزه‌های نهفته پژوهشگر ارائه شود و نتایج آن روایی بیشتری داشته باشد.

۱. مفهوم‌شناسی

اصطلاح حکمرانی، از دهه هشتاد میلادی فراگیر و متداول شد. حکمرانی به طور عام به همه فرایندهای حکومت کردن مربوط می‌شود، چه توسط حکومت باشد چه بازار یا یک شبکه. حکمرانی می‌تواند بر یک خانواده، یک قبیله یا یک سازمان رسمی یا غیررسمی یا بر یک قلمرو صورت گیرد. همچنین حکمرانی ممکن است بر اساس قوانین، هنجارها، قدرت یا یک زبان باشد (Bevir, 2012: 1).

در این پژوهش، اصول حکمرانی ابلاغی در یک حکومت که گستره قلمرو سرزمین‌های اسلامی در قرن اول هجری را در بر می‌گرفت، مورد بررسی قرار گرفته است.

بنابراین، این اصول با اصول حکمرانی خوب که امروزه در ادبیات سیاسی جهان متداول است، مقایسه شده است. در یکی از اسناد بین‌المللی، حکمرانی خوب به این صورت توصیف شده است:

حاکمیت خوب مشارکتی، اجماع‌گرا، مسئولیت‌پذیر، شفاف، پاسخگو، مؤثر و کارآمد، منصفانه و فراگیر است و از قانون پیروی می‌کند. این اطمینان را می‌دهد که فساد به حداقل می‌رسد، نظرات اقلیت‌ها در نظر گرفته می‌شود و صدای آسیب‌پذیرترین افراد جامعه در تصمیم‌گیری شنیده می‌شود. همچنین پاسخگوی نیازهای کنونی و آینده جامعه است (Kioe Sheng, 2006: 1).

۲. روش پژوهش

استفاده از روش‌های تحلیل کمی در کنار روش‌های کیفی برای پاسخ به سؤال این پژوهش که چه اصولی در اصول ابلاغی حکومت حضرت علی علیه السلام تأکید بیشتری داشته و چه مواردی در اجرای هر کدام مهم‌تر بوده است، می‌تواند راهگشا باشد. یکی از این روش‌ها، تحلیل محتوا است.

«تحلیل محتوا» به عنوان یک روش تحقیق، یک نوع قرائت نظام‌مند از بدنه یک متن، تصاویر، یا نمادها است که لزوماً برخاسته از دیدگاه مؤلف یا به کار برنده آن نیست (Krippendorff, 2004: 3). این روش قابلیت دارد در تحلیل متون دینی، خصوصاً با فن «تحلیل محتوای مضمونی» به کار رود (جانی پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۲۹-۳۳). «تحلیل محتوا یک روش تحقیق برای ایجاد استنتاج‌های قابل تکرار و معتبر از یک متن یا هر موضوع معنادار دیگری، با استفاده از مفاد آن است» (Krippendorff: ۱۸). روش تحلیل محتوا، به دو رویکرد کیفی و کمی تقسیم می‌شود (ر.ک. رایف و جی فیکو، ۱۳۸۱: ۲۵ و Hsieh, 2005: 1278). برخی از محققان برای به حداقل رساندن کاستی‌های احتمالی هر یک از این دو رویکرد، شیوه‌ای تلفیقی از هر دو الگو پیشنهاد داده‌اند (Mayring, 2014: pp6-9). در این پژوهش نیز از هر دو روش با تأکید بر رویکرد کمی استفاده شده است.

به کارگیری این روش در متون حدیثی این قابلیت را دارد که دسته‌بندی روایات با دقت بیشتری انجام شود و فراوانی واژگان کلیدی، قالب‌های بیانی و همچنین موارد آنها مورد سنجش آماری قرار گیرد. همچنین می‌توان از شرایط فرهنگی-اجتماعی جامعه زمان صدور آگاه شد و ساختار حاکم بر مجموعه روایات را بررسی کرد (ر.ک. جانی پور و شکرانی، ۱۳۹۲: ۳۶-۵۳).

همه رویکردها برای تجزیه و تحلیل محتوا نیاز به روندی تحلیلی مشابه، متشکل از هفت مرحله کلاسیک دارد؛ شامل تنظیم سؤال‌های تحقیق که باید به آنها پاسخ داده شود، انتخاب نمونه برای تجزیه و تحلیل، تعیین مقوله‌های مورد استفاده، تشریح روند کدنویسی، اجرای فرایند کدنویسی، تعیین میزان روایی و تجزیه و تحلیل نتایج فرایند کدگذاری (Lee Barker, & Emmert, 1989: pp197-217).

در جایی که منبع مورد بررسی یک متن مکتوب باشد، واحد بررسی آن می‌تواند کلمه، جمله، عبارت یا مضمون باشد.

در این مقاله، نخست همه نامه‌های حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود به جزء نامه‌هایی که به ام‌ای لشکر نوشته شده بود از کتاب نهج البلاغه جمع آوری شد. تعداد این نامه‌ها که بالغ بر ۲۸ عدد بود، با توجه به روش تحلیل محتوا تجزیه گردید، به این صورت که متن نامه‌ها به عبارت‌هایی که هر کدام می‌توانست بیانگر یک اصل حکمرانی باشد تقسیم شد. در میان برخی قسمت‌ها با متنی واحد به بیش از یک اصل اشاره داشتند. فقره‌های همه این نامه‌ها در خانه‌های یک جدول^۱ قرار داده شد. تعداد این فقره‌ها به حدود ۱۶۰ مورد رسید.

موضوع اصلی هر کدام از نامه‌ها بر اساس مطلب کلی که متن به آن اشاره می‌کرد با تأکید بر اصول حکمرانی استخراج شد و هم‌زمان موضوع فرعی، مطالبی را در برمی‌گیرد که با تأمل بیشتری از آن فقره قابل برداشت است، بدون آنکه از ظهور اولیه آن فاصله گرفته شود.

سپس با بررسی موضوع‌های اصلی و فرعی و در نهایت استخراج موارد مشترک و نزدیک به هم، ۱۵ اصل حکومت‌داری کشف شد، به طوری که موضوع‌های اصلی و فرعی مربوط به هر یک از ۱۶۰ فقره ذیل یک اصل قرار گرفت. هر دو موضوع اصلی و فرعی در برخی از

^۱. برشی از جدول در بخش ۳-۲ آمده است.

فقرات به یک اصل مربوط بودند. در نهایت مجموعاً ۲۳۲ موضوع اعم از اصلی و فرعی، ذیل اصول استنباط شده از مجموعه آنها قرار گرفت.

پس از استخراج مقوله‌ها و اصول ابلاغی حکمرانی که به روش تحلیل محتوای کیفی صورت گرفت، مرحله تحلیل محتوای کمی آغاز شد. به این صورت که با شمارش تعداد دفعاتی که صراحتاً به یک اصل خاص اشاره شده بود یا آن اصل از عبارت‌های امام علی علیه السلام قابل برداشت بود، دسته‌ای از اطلاعات کمی به دست آمد. همچنین حجم متن قسمت‌های مرتبط با هر اصل با نرم‌افزار اکسل اندازه گرفته شد. از این اطلاعات برای تهیه نمودار میزان فراوانی پرداختن به هر اصل استفاده گردید. برای یافتن نتایج دقیق‌تر، در برخی موارد غیر از واحد عبارت، از واحدهای دیگر مثل کلمه نیز برای تحلیل محتوا بهره گرفته شد.

از این‌رو، تحلیل داده‌های کمی در وهله اول نشان می‌دهد امام علی علیه السلام در نامه‌های خود چه مقدار بر هر مقوله تأکید کرده است. اما هر کدام از این نامه‌ها ممکن است با توجه به شرایط زمان خود، اقتضائات خاصی داشته باشد. بنابراین شاید بررسی تعداد اندکی از نامه‌ها نتواند به درستی میزان اهمیت هر اصل را نشان دهد، ولی در نظر گرفتن تعداد بسیاری از آنها که در طول حدود چهار و نیم سال حکومت در شرایط مختلف نوشته شده است، می‌تواند آمار خوبی در این‌باره ارائه کند.

۳. یافته‌ها

حضرت علی علیه السلام برای اداره حکومت خود به اصول و مبانی محکمی پایبند بود، تا حدی که باعث شد در شورای شش نفره، به دلیل قبول نکردن پیشنهاد عبدالرحمن بن عوف مبنی بر بیعت بر اساس سیره خلفای پیشین (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۳۷۷) در آن زمان به زمامداری نرسد. ابعادی از اصول حکومت‌داری که فهم آنها نیاز به بررسی عمیق‌تر و تفسیر متن دارد کمتر در این پژوهش مورد تأکید بوده است و بیشتر به ابعادی از این اصول پرداخته شده که از داده‌های آماری قابل فهم است. اصول پانزده‌گانه حکومت‌داری به دست آمده با روش فوق به صورت زیر کدگذاری شده است:

جدول (۱). اصول حکمرانی ابلاغی به کارگزاران

کد	اصل کلی	کد	اصل کلی
A09	مبارزه با فساد و رفع زمینه‌های آن	A01	خدا محوری
A10	تقویت قدرت اقتصادی جامعه	A02	اصل عدالت و مساوات
A11	اصل اشراف اطلاعاتی بر عملکرد کارگزاران	A03	کاهش اختلاف طبقاتی
A12	آموزش حکمرانی در طول زمامداری	A04	گسترش معنویت و اخلاق و فرهنگ
A13	آینده نگری بر اساس داده‌های موجود	A05	قانون‌مداری و ساختارمندی
A14	به کارگیری درست نیروی انسانی در مسئولیت‌ها	A06	توجه به افکار عمومی و پاسخگویی به مردم
		A07	مردم‌داری
A15	مصلحت‌سنجی و در نظر گرفتن اولویت‌ها	A08	ثبات سیاسی و تداوم حکومت

(منبع: یافته‌های پژوهش)

برای دسته‌بندی قابل استفاده، این اصول با اصول حکمرانی خوب که اسناد آن را زیر مجموعه‌های سازمان ملل اعلام کرده است، مقایسه و تطبیق صورت گرفته است. در این اسناد به هشت اصل اشاره شده است که عبارتند از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، اجماع محوری و ایجاد وفاق عمومی، برابری و همه شمولی، اثربخشی و کارایی و مسئولیت‌پذیری. این هشت اصل با تعدادی از اصول پانزده‌گانه این پژوهش به لحاظ اهداف کلی تطابق زیادی داشت^۱، ولی اصول حکمرانی را که حضرت علی علیه السلام ابلاغ کرده‌اند موارد دیگری را نیز در بر داشت. پانزده اصل حکمرانی استنباط شده در این پژوهش به دو دسته اصول مشترک با اصول حکمرانی خوب و اصول خاص حکمرانی علوی تقسیم شد. جدول زیر این تفکیک و فراوانی تکرار هر اصل را نشان می‌دهد:

^۱ در این پژوهش هدف از مقایسه این دو دسته در حد مفاهیم کلی و میزان فراوانی اشاره به هریک از آنها و نتایج به دست آمده از داده‌های کمی مد نظر بوده است و بررسی تفاوت‌های مفهومی و الگوواره‌ای از عهده این مقاله خارج است.

جدول (۲). تقسیم و تطبیق اصول حکمرانی در نامه‌های نهج البلاغه

فراوانی	اصول حکمرانی ابلاغی در نهج البلاغه	فراوانی	اصول حکمرانی خوب	
۲۷	مردم‌داری	۲۷	مشارکت	نهج حکمرانی خوب اصول حکمرانی خوب
			اجماع محوری و وفاق عمومی	
۶	قانون‌مداری و ساختارمندی	۶	حاکمیت قانون	
۱۵	مبارزه با فساد و رفع زمینه‌های آن	۲۸	شفافیت	
۱۳	اشراف اطلاعاتی بر عملکرد کارگزاران			
۱۲	توجه به افکار عمومی و پاسخگویی به مردم	۱۲	پاسخگویی	
۱۹	عدالت و مساوات	۲۴	برابری و همه شمولی	
۵	کاهش اختلاف طبقاتی			
۲۳	به کارگیری درست نیروی انسانی در مسئولیت‌ها	۶۷	اثربخشی و کارایی	
۷	مصلحت‌سنجی و در نظرگرفتن اولویت			
۳۰	آموزش حکمرانی در طول زمامداری			
۷	تقویت قدرت اقتصادی جامعه			
۶	ثبات سیاسی و تداوم حکومت	۱۰	مسئولیت‌پذیری	
۴	آینده‌نگری بر اساس داده‌های موجود			
۱۳	خدا محوری			
۴۵	گسترش معنویت، اخلاق و فرهنگ	۵۸	-	اصول خاص حکمرانی علوی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نمودار فراوانی دو دسته اصلی چنین است:



نمودار (۱). فراوانی موارد مشترک و متفاوت اصول حکمرانی خوب و حکمرانی علوی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

آمار مندرج در این نمودار نشان می‌دهد، سه چهارم موارد ابلاغی حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود در نامه‌ها، حداقل در عناوین کلی با اصول حکمرانی خوب که امروزه بیشتر مورد توجه است، همخوانی دارد و یک چهارم موارد ذکر شده در مکاتبات حکومتی که اصول عقیدتی و معنوی هستند متفاوت‌اند. با در نظر گرفتن اینکه همه این اصول می‌توانند بر یکدیگر تأثیر گذار باشند، مثل تأثیر خدامحوری در کاهش فساد، ولی به طور کلی از این نمودار می‌توان دریافت اصول حکمرانی ابلاغ شده در حکومت دینی و غیردینی به مقدار قابل توجهی وجوه مشترک دارند، اگرچه ممکن است به لحاظ اهداف، راهبردها و اولویت‌های اجرایی تفاوت داشته باشند. با توجه به فراوانی بیشتر در ابتدا به بررسی دقیق‌تر اصول مشترک با اصول حکمرانی خوب و سپس به اصول خاص حکمرانی علوی پرداخته خواهد شد.

۳-۱. اصول مشترک با حکمرانی خوب

۳-۱-۱. اصل عدالت

یکی از اهداف اصلی پیامبران الهی اقامه عدل و قسط است. این هدف در این آیه از قرآن به روشنی بیان شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵)؛ قسط همان بهره‌ای است که یک فرد به عدل به دست می‌آورد.

(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۷۰)

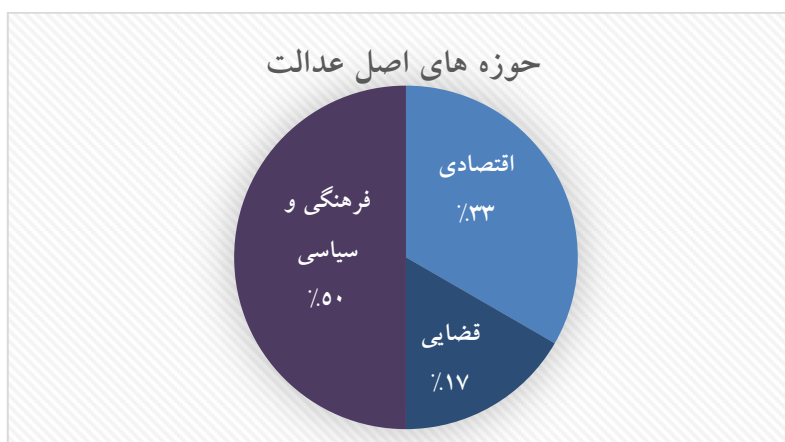
عدالت، موضوعی نیست که به خودی خود در ذهن‌های مردم، کهنه یا فراموش شود. برخی صاحب‌نظران معاصر در همین رابطه معتقدند، عدالت نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی است و به قدری اهمیت دارد که اگر قوانین و نهادها فارغ از اینکه چه میزان کارآمد و سازمان یافته هستند، اگر ناعادلانه باشند، باید اصطلاح یا کنار گذاشته شوند. (رالز، ۱۳۸۷: ۳۲)

علی^{علیه السلام} حداقل هفده بار با عبارت‌های گوناگون به این اصل اشاره کرده یا به ابعاد مختلف آن پرداخته است. در جدول زیر مطالبی که درباره اصل عدالت در حوزه‌های مختلف بیان شده، آمده است:

جدول (۳). اصل عدالت به همراه فراوانی حوزه‌های عدالت

اصول	حوزه	فراوانی	مفاهیم	شماره آیه	فراوانی	مفاهیم	شماره آیه
اصل عدالت	اقتصادی	۶	سهم یتیمان و بیوه زنان از بیت‌المال	۴۱	۹	عدالت در نگاه به مردم	۲۷
			در نظرگرفتن سهم همه اقشار جامعه و تخصص‌ها	۵۳			۴۶
			ادای حقوق همه اقشار توسط حاکم	۵۳			۵۳
			زمینه عدل و انصاف در معاملات و جلوگیری از احتکار	۵۳			۵۳
			پرهیز از اختصاص منافع به خود در اموال عمومی	۵۳			۵۳
			تساوی حق افراد ساکن مکه و غیر برای سکونت	۶۷			۵۳
	قضایی	۳	گرفتن بدون واهمه حق ناتوان از قدرتمند	۵۳		رعایت حق و عدالت خصوصاً در مورد نزدیکان	۵۳
			نهی شدید از ریخته شدن خون به ناحق	۵۳		عاقبت رعایت حق بهتر از رضایت نزدیکان	۵۳
			پرداخت دیه در صورت قتل یا شلاق خطا	۵۳		اولویت اجرای عدالت بر جلب حمایت‌های اجتماعی از حکومت	۷۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)



نمودار (۲). مقایسه فراوانی اشاره به عدالت و مساوات
(منبع: یافته‌های پژوهش)

این نمودار نشان می‌دهد، پرداختن به ابعاد عدالت در حوزه سیاست و فرهنگ نسبت به حوزه‌های اقتصادی و قضایی، سهم بیشتری را در مکاتبات داشته است. این امر می‌تواند بیانگر اولویت آن برای تحقق عدالت در حوزه‌های مختلف باشد. همچنین با بررسی آماری دیگری معلوم می‌شود در خلال نامه‌ها حداقل ده بار درباره انصاف و سیزده بار درباره عدالت سخن به میان آمده که ۷۲ درصد از آنها در نامه به مالک اشتر است^۱. این ارقام نشان می‌دهد متن نامه‌ها زمینه‌ساز ایجاد گفتمان عدل و انصاف در ذهن کارگزاران حضرت علی علیه السلام بوده است.

۳-۱-۲. اصل کاهش اختلاف طبقاتی

اسلام مالکیت افراد بر اموالشان را محترم می‌شمارد و مالی را که از راه تلاش به دست می‌آورند به رسمیت می‌شناسد؛ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹)؛ اما نمی‌پذیرد که اموال در دست عده‌ای خاص دست به دست شود و شکاف طبقاتی ایجاد گردد. به عنوان مثال یکی از مصارف «فیء» کمک به افراد ناتوان است تا منحصر در میان ثروتمندان نباشد (حشر: ۷).

^۱. اعداد با شمارش ماده‌های «نصف» و «عدل» در معانی مرتبط به دست آمده است.

تحلیل محتوای نامه‌های امام‌علی علیه السلام به کارگزاران با محور اصول حکمرانی ۵۳

حضرت علی علیه السلام در سایه عدالت به این مطلب توجه داشت و یکی از اصولی که از نامه‌های وی به کارگزاران خود قابل برداشت است، اصل کاهش اختلاف طبقاتی است. وی حداقل پنج بار و در خلال سه نامه به آن اشاره کرده است (نامه‌های ۴۵، ۵۳ و ۶۷).
بیشترین تأکید او به این اصل در نامه ایشان به عثمان بن حنیف دیده می‌شود، زمانی که وی در مهمانی شرکت کرده بود که فقط خواص بدون حضور اقشار نیازمند دعوت بودند. این تعداد تکرار در یک نامه می‌تواند بیانگر این باشد که شرکت در مجالس غیرعمومی برای مسئولان زمینه‌ساز ایجاد اختلاف طبقاتی در جامعه است.
اشارات حضرت علی علیه السلام به این اصل مربوط به سطح زندگی شخص حاکم، ۴۰ درصد است که نشانگر تأکید بیشتر وی به رعایت این مسئله برای تحقق اصل کاهش اختلاف طبقاتی است.

۳-۱-۳. ثبات سیاسی و تداوم حکومت

ثبات سیاسی یکی از پیش‌شرط‌های اساسی بازسازی اقتصادی و توسعه، داشتن ثبات و امنیت سیاسی است (کتابی، ۱۳۷۶: ۸۳). در نامه‌های حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود، حداقل شش بار به این مؤلفه حکمرانی اشاره شده است؛ یک بار در نامه ۴۵ و پنج بار در نامه ۵۳ نهج البلاغه. نامه اخیر پیش از عزیمت مالک اشتر به مصر تنظیم شده است. این مقدار تمرکز بر این مطلب، می‌تواند نشان از حساسیت حکومت علوی در آن سرزمین باشد. شهادت محمد بن ابی‌بکر در مصر و نرسیدن مالک به آنجا می‌تواند شاهد دیگری بر این نکته باشد.

به نظر می‌رسد تکرار نشدن زیاد این اصل در نامه‌ها به این دلیل بوده که برای اداره امور حکومت در آن زمان، نیازی به توجه ویژه به حفظ اصل حکومت توسط کارگزاران نبوده است و آن هم می‌تواند به دلایل مختلف، مثل اقبال زیاد مردم به خلافت علی علیه السلام در ابتدای حکومت باشد.

به نظر می‌رسد حضرت علی علیه السلام ثبات حکومت‌ها را چه پیش از رسیدن به قدرت و چه پس از آن به عنوان یک اصل همیشگی قبول داشت. او معتقد بود: «مکان زمامدار دین و

حکمران مملکت مانند رشته مهره است که آن را گرد آورده به هم پیوند می‌نماید، پس اگر رشته بگسلد مهره‌ها از هم جدا شده پراکنده گردد، و هرگز همه آنها گرد نیامده است» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۴۵).

وی با اینکه به شدت از وقایع مربوط به خلافت بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ اظهار ناراحتی می‌کرد (ر.ک. خطبه ۳) ولی برای پایداری حکومت خلفای پیش از خود پس از استقرارشان از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. حضرت علی ﷺ بارها در امور مختلف به خلیفه دوم مشورت داد (ر.ک. خطبه ۱۴۶) به حدی که خلیفه در چند موضع گفت «لو لا علی لهلک عمر» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۸ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۴۲۴). او حتی به رغم مخالفت شدید مردم با خلیفه سوم، به دفاع از او پرداخت تا حدی که به ابن عباس گفت: «به خدا قسم به اندازه‌ای از او دفاع کردم که ترسیدم آلوده به گناه شده باشم» (خطبه ۲۴۰).

۳-۱-۴. اصل قانون‌مداری و ساختارمندی

قوانین مناسب در هر کشوری می‌تواند یک عامل مهم برای حفظ منافع مردم و کشور باشد. اما مسئله مهم‌تر ضمانت اجرایی و پایبندی افراد جامعه خصوصاً کارگزاران حکومت به قانون است؛ وگرنه بهترین قوانین نیز نمی‌تواند جامعه را به سمت سعادت سوق بدهد. حکومت حضرت علی ﷺ هم از این قاعده مستثنی نبود. رعایت قانون و حفظ ساختارهای اعمال قدرت، از اصول مورد اشاره حضرت علی ﷺ در مکاتبات رسمی بوده است که حداقل شش بار مورد تأکید قرار گرفته است (نامه‌های ۵، ۳۳ و ۵۳).

۳-۱-۵. اصل مبارزه با فساد و رفع زمینه‌های آن

فساد در لغت به معنای خروج از اعتدال، چه کم و چه زیاد باشد و متضاد آن صلاح است و در مورد نفس، بدن و اشیای خارجی به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۳۶). ولی امروزه فساد در اصطلاح به سوء استفاده از قدرت واگذار شده برای منافع شخصی تعریف می‌شود و مسائل مختلفی از جمله رشوه، تعارض منافع، اخاذی، اختلاس و کلاهبرداری را در بر می‌گیرد (DiPiazza, 2008: 3).

حضرت علی علیه السلام حداقل پانزده بار در نامه‌های خود به کارگزاران، در مورد فساد مالی نکاتی را گوشزد کرده است. همان‌طور که در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، دو سوم موارد به دست آمده، مربوط به پیشگیری از وقوع فساد است و یک سوم آنها مربوط به برخورد یا توبیخ افراد متخلف است. با توجه به این توزیع آماری، رفع زمینه‌های فساد نمود بیشتری در نامه‌های حکومتی داشته است.

جدول (۴). اصل مبارزه با فساد به تفکیک کیفی و پیشگیرانه

نام	مفاهیم	فراوانی	سیاست	اصل
۲۰	تهدید به مجازات سخت در برابر خیانت به بیت‌المال	۱۰	سیاست‌های پیشگیرانه	مبارزه با فساد و رفع زمینه‌های آن
۲۷	از بین بردن بستر سوء استفاده از حاکم با نگاه یکسان			
۴۰	خیانت در بیت‌المال موجب خشم خدا و عصیان از امام			
۴۶	رفع زمینه فساد با نگاه مساوی			
۵۳	تأمین معیشت قضات برای پیشگیری از نفوذپذیری			
۵۳	تأمین حقوق کافی کارگزاران برای پیشگیری از خیانت			
۵۳	ایجاد سازوکار احساس ناامنی برای خیانت در امانت در سطح کلان			
۵۳	ویژه‌خواری در نهایت موجب سقوط و بی‌آبرویی			
۵۳	نظارت مستمر بر تنظیم بازار			
۵۳	واگذاری نکردن امتیاز خاص به نزدیکان و از بین بردن زمینه آن			
۴۱	تهدید به مجازات در برابر خیانت به بیت‌المال و دستور به برگرداندن اموال	۵	سیاست‌های کیفری	
۴۳	توبیخ شدید مصقله به علت تقسیم فیء بین خویشاوندان			
۴۱	توبیخ خیانت‌های پسر عمویش			
۴۱	شدت عمل در مورد خائن به بیت‌المال			
۵۳	مجازات احتکارکنندگان			

(منبع: یافته‌های پژوهش)

البته به این نکته هم باید توجه داشت که یکی از نتایج اعمال مجازات در اسلام علاوه بر تأمین سلامت و صیانت از مردم و برقراری نظم، عدالت و امنیت، پیشگیری از وقوع جرم است (گلدوزیان، ۱۳۹۵: ۱۷).

۳-۱-۶. اصل تقویت قدرت اقتصادی جامعه

قدرت اقتصادی یکی از عوامل مهم قوام یک جامعه است؛ چرا که ترکیب منابع درآمدی و هزینه‌های حکومت نقش مهمی در ساختار اقتصادی یک واحد سیاسی و سیاست عمومی آن در جامعه خود و جوامع دیگر دارد (مصلی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۲۳).

حضرت علی علیه السلام برای کمک به اقتصاد سرزمین اسلامی به کارگزاران خود دستوراتی می‌داد که تعدادی از آنها که از نامه‌ها به تفکیک اقدامات مستقیم و نظارتی استخراج شده در جدول زیر آمده است:

جدول (۵). اصل تقویت قدرت اقتصادی جامعه به تفکیک نوع اقدامات

نام	مفاهیم	فراوانی	نوع اقدامات	اصل
۵۳	امور نظامی از اولویت‌های تخصیص بودجه	۲	اقدامات مستقیم	تقویت قدرت اقتصادی جامعه
۵۳	تأمین معیشت نظامیان برای جهاد بهتر			
۵۳	توجه به ممولان و تولیدکنندگان در مسائل اقتصادی برای اصلاح همه امور جامعه	۵	اقدامات نظارتی	
۵۳	لزوم متمرکز نکردن سرمایه‌ها به منظور آبادانی زمین			
۵۳	تجار و صنعتگران موجب راحتی و آسایش مردم			
۵۳	نظارت مستمر بر تنظیم بازار			
۵۳	اقتصاد و امور قضایی از مهم‌ترین خدمات مورد نیاز مردم			

(منبع: یافته‌های پژوهش)

این نوع تفکیک نشان می‌دهد، حدود ۷۰ درصد دستورات حضرت علی علیه السلام در مورد ابعاد تقویت قدرت اقتصادی سرزمین‌های اسلامی، از جنس اقدامات نظارتی مثل تنظیم بازار، توجه به تولیدکنندگان و تأمین امنیت فعالیت اقتصادی از طریق خدمات قضایی است. ۳۰ درصد باقی مانده هم مربوط به امور نظامی است که تصدی آن به طور مستقیم به دست حکومت بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد، عامل اصلی قدرت اقتصادی، در زمان حکومت علوی فعالیت‌های اقتصادی خود مردم بود.

۳-۱-۷. اصل اشراف اطلاعاتی

اداره حکومت بر یک سرزمین وسیع بدون داشتن اطلاعات دقیق از وقایع مختلف و عملکرد افراد نمی‌تواند به صورت مطلوب انجام بگیرد؛ زیرا مسئولان هر مقدار هم که با درایت باشند، بدون آگاهی لازم از اوضاع و احوال، قادر به گرفتن تصمیم‌های کارآمد و متناسب نخواهند بود. با بررسی ۲۷ نامه رسمی مبادله شده بین حضرت علی علیه السلام و منصوبانش، در ده نامه، یعنی ۳۷ درصد آنها، مسائل مربوط به اخبار و اطلاعات مطرح شده است و سرآغاز اکثر این نامه‌ها اعلام وصول یک گزارش از منابع مختلف خصوصاً با لفظ «بَلَّغْنِي...» است. در نامه‌های حضرت علی علیه السلام به کارگزاران خود، حداقل چهارده بار به ابعاد مختلف این اصل اشاره شده است. دسته‌ای از آنها به افراد و مسائل بیرون از بدنه حاکمیت، مثل اطلاعات مربوط به اقوام، قبیله‌ها، شخصیت‌ها، مکان‌ها، تحرکات دشمن و غیره برمی‌گردد و دسته دیگر به اطلاعات مربوط به درون بدنه حاکمیت مثل کارکنان و مسئولان مربوط می‌شود.

جدول (۶) اصل اشراف اطلاعاتی به تفکیک نوع اطلاعات

نام	مفاهیم	فراوانی	نوع اطلاعات	اصل
۱۸	خبر درشتی با بنی تمیم توسط عبدالله بن عباس	۹	بدنه حکومت	اصل اشراف اطلاعاتی
۱۹	رسیدگی به گزارش‌های مردمی در مورد عملکرد کارگزاران			
۲۰	نظارت جدی بر کار کارگزاران در امور مالی			
۳۴	اطلاع از حالات روحی عامل			
۴۰	اطلاع امام از تخلفات			
۷۱	خبر خیانت و دنیاطلبی منذر			
۴۳	خبر خیانت در بیت المال			
۴۵	خبررسانی دقیق به امام در مورد مرآوده کارگزار			
۵۳	خائن بودن سخن‌چین در میان اطرافیان			
۳۳	داشتن جاسوس در مغرب، اطلاع از اوضاع شام، توصیف شامیان	۵	موارد خارج از بدنه حاکمیت	
۳۳	خبر حرکت عده‌ای از شامیان دنیاپرست به سوی مکه			
۴۰	لزوم داشتن نیروهای اطلاعاتی در همه مراکز			
۵۳	جاسوس گماردن و کنترل نامحسوس			
۷۰	خبر پیوستن عده‌ای به معاویه			

(منبع: یافته‌های پژوهش)

حدود ۶۰ درصد از موارد جدول، مربوط به مسائل بدنه حاکمیت است که بیشتر آنان معطوف به تخلفات فرمانداران است. این امر علاوه بر اهمیت چنین داده‌هایی، نشان می‌دهد اشراف اطلاعاتی بر عملکردشان بعد از انتصاب آنان با قدرت ادامه داشته است که موجب نظارت و پیگیری دقیق تخلفات و خیانت‌های احتمالی آنان شده بود.

در ثانی تعدّد این موارد نشان می‌دهد، خبررسانی به حاکم در مورد بدنه حاکمیت، از طریق منابع متعددی بوده که خود مسئولان از آنها اطلاع نداشتند یا اینکه ساز و کار انتقال اطلاعات به گونه‌ای طراحی می‌شد که امکان پنهان‌کاری را از فرمانداران سلب کرده بود.

۳-۱-۸. اصل آموزش حکمرانی در طول زمامداری

امروزه سیاست و حکمرانی به صورت یک علم شناخته می‌شود و به عنوان یک رشته تحصیلی در سطوح عالی و در مراکز علمی جهان، آموزش داده می‌شود. برخی معتقدند آموزش در این حوزه، باید در قالب ایدئولوژی و ارزش‌های مشخص و پذیرفته شده صورت بگیرد (عبدالحمید زاده و عبدالحمید، ۱۳۹۷: ۱۶).

حضرت علی علیه السلام نیز علاوه بر شأن حاکمیت در مکتب اسلام، به عنوان معلم امت (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۱۱۳) هم شناخته می‌شدند. تعلیمات او به آحاد جامعه اسلامی به موضوعات اخلاقی، اعتقادی و فقه فردی محدود نمی‌شد، بلکه در مقوله‌های دیگر از جمله مدیریت و شیوه درست حکمرانی تعالیم زیادی دارد که تعدادی از آنها در مکاتبات در دسترس است. بسیاری از نکات آموزشی قابل برداشت در این زمینه در اصول دیگر حکومت‌داری مطرح شده است، ولی علاوه بر آنها نکات دیگری هم وجود دارد که بالغ بر سی مورد است.

جدول (۷). اصل آموزش حکمرانی به تفکیک مفاد آموزش

نام	مفاد	فراوانی	مفاهیم	نام	مفاد	فراوانی	اصل
۲۷	شناسایی و کنترل نفاق در جامعه	۷	تکلیف حکمران	۶۳	بهره‌گیری از عقل برای شناخت حق	۱۶	اصل آموزش حکمرانی در طول زمانمداری نکات رفتاری، نگرشی و عقیدتی در مدیریت
۴۶	اقامه دین			۴۵	دانش‌افزایی کافی توسط کارگزاران		
۴۶	حفاظت از مرزها			۵۳	اقتدا به حکومت‌های عادل و پیامبر ^{صلی الله علیه و آله} و علی ^{علیه السلام} در امور مختلف		
۵۳	دریافت خراج، جهاد با دشمن و عمران			۵۳	ضرورت تطبیق قوانین با منابع دینی و رفع تنازعات با قوانین اسلام		
۵۳	توجه به نقش نظامی‌ها در امنیت			۵۳	بخل، ترس و حرص موجب سوءظن به خدا		
۵۳	نقش منشیان امور اداری، قضات و حقوقدانان در قوام نظام مالیات و ارتش			۵۳	نزدیک نکردن افراد بدسابقه در حکومت‌های پیشین		
۵۳	توجه به نقش اصناف و صنعتگران در رفع نیازمندی‌های جامعه			۴۶	سخت‌گیری در مواقع ضروری		
۳۴	شیوه مقابله با دشمنان			۵۳	ابقای سنت‌های نیک گذشتگان		
۴۵	صلابت در برابر دشمنان			۵۳	مشورت با دانشمندان و متخصصان		
۴۵	شجاعت در برابر ستمگران			۵۳	شیوه انتخاب فرماندهان نظامی		
۵۳	صلح در صورت صلاح با رعایت احتیاط	۱۸	صله رحم				
۵۳	وفای به عهد و امان در مورد دشمن	۵۳	فدا نکردن امور کوچک				
۵۳	محکم بستن معاهدات بدون دوپهلوی بودن	۵۳	انجام کارهای روزانه در همان وقت				
۶۱	نشان دادن اقتدار در مقابل دشمن	۵۳	پرهیز از عجله و انجام امور در وقت آن				
		۳۳	کیاست در زمامداری				
		۱۸	احسان به مردم				

(منبع: یافته‌های پژوهش)

این نکات آموزشی در ۹ نامه از ۲۸ نامه یافته شد. تعدد این موارد می‌تواند نشان دهنده جنبه آگاهی بخشی و آموزشی نامه‌ها باشد. حضرت علی علیه السلام به انتخاب افراد مناسب برای حکومت اکتفا نمی‌کرد؛ بلکه برای این که افراد دارای منصب بتوانند به بهترین وجه به انجام وظایف خود بپردازند در طول زمان خدمت افراد به دانش‌افزایی و آگاهی بخشی به آنان می‌پرداخت. حدود ۵۰ درصد موارد، از نامه ۵۳ نهج البلاغه برداشت شده است. این توزیع احتمالاً می‌تواند بیانگر اهمیت آگاهی بخشی پیش از به دست گرفتن مسئولیت، نیاز و ظرفیت بالای شخص مالک اشتر یا حساسیت ویژه زمامداری مصر در آن زمان باشد. به نظر می‌رسد تشخیص صحت هر کدام از این تحلیل‌ها نیاز به قرائنی بیش از داده‌های آماری دارد.

۲-۱-۹. اصل آینده‌نگری و علاج امور پیش از وقوع

از لوازم مدیریت صحیح، آن است که پیش از هر کار جوانب آن و عواقب اقدام به آن ارزیابی شود، برپایه برنامه‌ای مشخص و آینده‌نگری تصمیم‌گیری شود و نیروها و امکانات به کار گرفته شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

حضرت علی علیه السلام آینده‌نگری را پیش از آغاز حکومت با نشان دادن حساسیت نسبت به تغییر سنت‌ها و رویه‌های اشتباه نشان داد به طوری که به خاطر آن حتی از حکومت هم چشم‌پوشی کرد. (العسکری، ۱۴۱۲ق: ۱۸۶) و در دوران حکومت خود سعی کرد با آگاهی بخشی به کارگزاران و دادن اطلاعات مورد نیاز به آنان این اصل را محقق کند. برخی از این موارد در جدول زیر آمده است.

جدول (۸). اصل آینده‌نگری و علاج امور پیش از وقوع

نام	مفاهیم	اصل
۳۳	داشتن برنامه برای سال‌های آینده	آینده‌نگری و
۳۵	شناسایی زمان بحران و اقدام مقتضی قبل از وقوع بحران و آگاهی دادن به مردم	
۴۲	جابه‌جایی کارگزاران در شرایط مختلف	علاج امور
۵۳	ضرورت برنامه‌های کوتاه مدت در کنار برنامه‌های بلند مدت	پیش از وقوع
۶۳	روشنگری حکومت در مواقع بحرانی آینده مثل جنگ جمل	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳-۱-۱۰. اصل به کارگیری درست نیروی انسانی در مسئولیت‌ها

مناصب حکومتی در دوره زمامداری حضرت علی علیه السلام دائمی نبود، بلکه با توجه به شرایط افراد یا اوضاع و احوال سرزمین اسلامی، ممکن بود تغییراتی کند یا حتی خاتمه یابد. در نامه‌های حکومتی حداقل ۲۵ مطلب از نکته‌های مربوط به چگونگی به کارگیری نیروی انسانی سخن به میان رفته است.

جدول (۹). اصل به کارگیری درست نیروی انسانی

اصل	مفاهیم	نامه	مفاهیم	نامه
اصل به کارگیری درست نیروی انسانی در مسئولیت‌ها	نصب محمد بن ابی‌بکر برای لشکر مصر	۲۷	با روحیه ایثار بودن مسئول نظامی	۵۳
	بهره‌گیری از نیروها در شرایط مختلف بنا به توانمندی‌های به دست آمده یا آزاد شدن نیروهای توانمند	۳۴	قاضی تراز حکومت اسلامی: سعه صدر، حق‌مداری، استدلالی بودن، حوصله	۵۳
	رودربایستی نداشتن و دلجویی از عامل دستکار	۳۴	دقت زیاد در انتخاب قضات	۵۳
	خیرخواهی مالک و سرسختی او با دشمنان	۳۴	واگذاری امور امنیتی و محرمانه به افراد امانت‌دار	۵۳
	عامل خوب بودن کسی مثل محمد بن ابی‌بکر	۳۵	انتخاب کارگزاران با دقت و بدون هوا و هوس از میان مجرب‌ها و خانواده‌های خوش سابقه	۵۳
	اطمینان به وفاداری محور انتصاب‌ها	۴۱	مسئولان قراردادهای با تخصص کافی و تعهد	۵۳
	تحولات درون سازمانی و زماندار بودن مسئولیت‌ها	۴۲	گزینش منشیان با آزمایش	۵۳
	تشکر از امانت‌داری و حسن ولایت	۴۲	انتخاب منشیان با توجه به میزان توانایی	۵۳
	واگذاری ولایت مصر به مالک اشتر	۵۳	توبیخ شدید کمیل به علت جلوگیری نکردن از حمله و غارت دشمن	۶۱
	انتخاب نکردن مشاوران از افراد بخیل، ترسو و حریص	۵۳	توبیخ به خاطر بی‌لیاقتی در انجام وظایف و دفاع	۶۱
	انتخاب فرماندهان نظامی از میان صابران، رثوفان و مقتدران	۵۳	توجه به حسن ظاهر و شرایط اجتماعی در انتصاب	۷۱
	گزینش نکردن مسئولان رده‌بالا از میان افراد بدسابقه مگر به ضرورت	۵۳		
	انتخاب کارگزاران از میان افراد متخصص، صادق و پاکدامن	۵۳	عدم صلاحیت تصدی امور توسط خائن و دنیا طلب	۷۱

(منبع: یافته‌های پژوهش)

موارد بسیار اشاره به جوانب این اصل، آن هم در خلال ۸ نامه بیانگر این است که یکی از محورهای مهم مکتوبات رسمی آن زمان، عزل و نصب‌ها توسط حاکم، بیان شیوه انتخاب افراد به فرمانداران و اهمیت آن در حکمرانی بوده است.

۳-۱-۱۱. اصل مصلحت سنجی و اولویت‌بندی

یکی از چالش‌های هر حکومتی تعیین اولویت‌هاست. یک حاکم موفق حاکمی است که در شرایط گوناگون بتواند بین اهم و مهم یا بد و بدتر، انتخاب درستی باشد. حضرت علی علیه السلام حداقل شش بار به طور جزئی اولویت‌ها و مصالح را به کارگزاران خود هم گوشزد می‌کرد؛ سه بار در نامه ۱۹، یک بار در نامه ۴۲ و دو بار در نامه ۵۳.

موارد مهمی از رعایت اولویت‌ها توسط حضرت علی علیه السلام در طول زندگی سیاسی ایشان وجود دارد. مثلاً با اینکه یکی از مهم‌ترین اهداف حکومتش اجرای عدالت بود و شیوه قضاوت شریح را قبول نداشت، ولی به او می‌گوید: «أَقْضِ بِمَا كُنْتَ تَقْضِي حَتَّى يَجْتَمِعَ أَمْرُ النَّاسِ» (ثقفی، ۱۳۹۵، ج: ۱، ۱۲۳) لفظ «حَتَّى» نشان می‌دهد که وی به طور موقت به مردم اجازه داده تا به عادت‌های قبلی خود در امور قضایی ادامه دهند تا زمانی که امور به سر و سامان برسد و شیوه کار تغییر کند (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج: ۱۹، ۱۶۱).

۳-۱-۱۲. اصل مردم‌داری

افراد مسئول در حکومت امکان دارد در دوره مسئولیتشان به دلایل مختلف مثل مسائل امنیتی، تراکم امور اجرایی یا درک نکردن ضرورت ارتباط مستقیم با مردم، رفته رفته از توده افراد جامعه فاصله بگیرند. این اتفاق زمینه‌ساز کاهش همدلی بین مسئولان و مردم و همچنین کاهش اطلاعات میدانی مسئولان از مسائل و مشکلات جاری شود.

یکی از اصولی که حضرت علی علیه السلام در تعاملات خود با کارگزارانش بیش از ۲۷ بار به آن اشاره کرده است، مردم‌داری و ارتباط چهره به چهره با مردم بود. میزان بالای تذکر و تکرار جوانب این اصل علاوه بر این که بر مردمی بودن حکومت علوی دلالت دارد، می‌تواند نشانگر این باشد که اولاً ارتباط مستقیم با مردم توسط کارگزاران برای حضرت علی علیه السلام اهمیت ویژه‌ای داشته است؛ ثانیاً ارتباط نداشتن درست و کافی بین مردم و مسئولان یک مشکل متداول در آن زمان بوده است.

جدول (۱۰). اصل مردم‌داری

نام	مفاهیم	نام	مفاهیم	اصل
۵۳	نقش همه اقشار در قوام امور جامعه	۱۸	توجه به مواضع پذیرش تبلیغات سوء در مناطق کشور	مردم‌داری
۵۳	شکل‌گیری ارگان‌های مسئول برای شناسایی نیازمندان و کمک‌های مختلف به آنها	۱۸	ایجاد ساز و کار تبلیغی جهت نشان دادن رأفت حکومت نسبت به مردم	
۵۳	توجه حکومت به استحکام نیروهای نخبه و تأثیرگذار به گونه‌ای که در فرایند حکومت‌داری کمک کنند	۱۸	توجه به ویژگی‌های قومی و قبیله‌ای در مناطق مختلف	
۵۳	تمجید از کارهای نیک مردم در هر مقامی	۲۱	نهی از تکبر در برابر مردم	
۵۳	نیکی نسبت به تاجران و صنعتگران	۳۵	توجه به اقشار ضعیف مثل بیوه‌ها و ناتوانان	
۵۳	اطلاع از وضع مردم	۳۵	نافرمانی مردم برای جهاد عامل شکست پشیمانان مردم از حکومت از ارکان اولیه ماندگاری حکومت	
۵۳	ملاقات با فقرا و نیازمندان بدون حضور محافظان	۴۵	ملایمت و فروتنی با مردم	
۵۳	توجه به روحیات مردم در اجرای امور دینی مثل نماز	۵۳	معیار قضاوت مردم درباره کارگزار اعمال و خدمات اوست	
۵۳	حضور میان مردم برای درک صحیح مسائل	۵۳	عظوفت و مهربانی با مردم و سوء استفاده نکردن از قدرت قانونی در برابر آنان	
۵۳	عذرخواهی آشکار از مردم در صورت گمان مردم به ستم	۵۳	اولویت دادن به توده مردم در برابر خواص	
۵۳	نهی از منت گذاشتن در برابر احسان و خلف وعده	۵۳	تجسس نکردن در حریم شخصی مردم و عیب‌جویی نکردن	
۶۷	برنامه‌های منظم ملاقات‌های رودر رو با اقشار جامعه	۵۳	رفع کینه دیگران و زمینه کینه جویی	
۷۶	دوری از خشم در برابر مردم	۵۳	ایجاد خوش‌گمانی در مردم	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۱-۱۳. اصل توجه به افکار عمومی و پاسخگویی به مردم

در ادبیات سیاسی برای قدرت سه مؤلفه در نظر گرفته می‌شود: عامل قدرت، تابع قدرت و هدف قدرت. در این بیان، عامل قدرت که حاکم است، با ابزارهایی که در اختیار دارد، تابع قدرت را که مردم باشند، به سمت هدف قدرت رهنمون می‌سازد (میر احمدی، ۱۳۹۲: ۲۳).

حکومت‌ها ولو قوی باشند، اگر فقط از قدرت سخت استفاده کنند، پایدار و مؤثر نخواهند بود، پس برای تأثیرگذاری ماندگار باید قدرت نرم خود را افزایش دهند (عسگری، ۱۳۸۹: ۵۲).

حضرت علی علیه السلام با اینکه به عنوان یک فرد بر مردم حکومت می‌کرد، ولی به نوعی اعمال قدرت می‌کرد که تابعان قدرت او یعنی مردم، احساس استبداد نکنند. برای این منظور وی برای مردم جایگاه ویژه‌ای قائل بود و سیاست‌هایی را در راستای توجه به افکار عمومی و پاسخگویی به مردم، اعمال می‌کرد. بیش از ۸۰ درصد نکته‌های یافته شده مربوط به این اصل، در نامه‌های ۲۷ و ۵۳ قرار گرفته است. اولی خطاب به محمد بن ابی‌بکر است در زمانی که به حکومت مصر گمارده شد و مخاطب دومی مالک اشتر است که او هم برای ولایت مصر فرستاده می‌شد و هر دو این نامه‌ها برای ابتدای مسئولیت این دو تن است. تراکم این نکات می‌تواند حاکی از حساسیت برخورد با افکار عمومی در سرزمین مصر به طور خاص و همچنین ابتدای ولایت یک حاکم در موقعیت جدید به طور عام باشد.

جدول (۱۱). اصل توجه به افکار عمومی و پاسخگویی به مردم

نام‌ه	مفاهیم	اصل
۱۹	اصل رأفت عمومی	توجه به افکار عمومی و پاسخگویی به مردم
۲۷	توصیه به گشاده‌رویی و تواضع	
۲۷	مخاطب قرار دادن مردم و حاکم در نامه	
۴۵	ساده زیستی حاکم اسلامی الگویی برای مردم	
۵۳	اهمیت افکار عمومی خصوصاً در برخورد ابتدایی	
۵۳	زمینه‌سازی اطاعت‌پذیری مردم با طیب نفس با دوری از زورگویی	
۵۳	توده مردم تکیه‌گاه حاکم در زمان‌های سخت	
۵۳	نشان دادن کارکرد حکومت اسلامی با احسان و ایجاد اعتماد در مردم	
۵۳	اهمیت به رضایت قلبی مردم	
۵۳	حمایت مردم از حکومت شرط اساسی عدالت و ادامه حکومت	
۵۳	اعتماد عمومی سرمایه‌ای برای دوران سختی	
۵۳	عذرخواهی آشکار از مردم در صورت گمان مردم به ستم	

(منبع: یافته‌های پژوهش)

۳-۲. اصول خاص حکمرانی علوی

۳-۲-۱. اصل خدامحوری

حضرت علی علیه السلام علاوه بر اینکه حاکمی سیاسی بود، به عنوان خلیفه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، رهبری دینی هم محسوب می‌شد. دلایل او برای قبول حکومت به گفته خودش دنیاگرایی و قدرت‌طلبی نبود. یکی از دلایل پذیرش زمامداری توسط او اتمام حجت و مسئولیتی است که خدا بر گردن علما قرار داده است (خطبه ۳).

اصل خدا محوری حداقل ۱۳ بار در نامه‌ها به طور مستقیم مورد اشاره بوده است. (نامه‌های ۵، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۷۶) که بیشتر برای ابتدای مسئولیت افراد بوده است. خدامحوری در تمام مکاتبات ایشان به کارگزاران و در بیشتر جمله‌های امام علیه السلام در ضمن مطالب دیگر دیده می‌شود. اما فقط لفظ جلاله «الله» در قالب‌های گوناگون حدود ۱۴۰ بار در متن نامه‌ها تکرار شده است که سهم ۱.۷ درصد از کل واژه‌ها را تشکیل می‌دهد. این آمار هم مؤید میزان بالای خدامحوری در مجموعه مورد مطالعه این پژوهش است.

۳-۲-۲. اصل گسترش معنویت، اخلاق و فرهنگ

اخلاق در نجات انسان و جامعه نقش دارد و به طور کلی انسان چه در جامعه زندگی کند، چه در زاویه‌ای به سر ببرد نیازمند به اخلاق است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۲۳۷). از طرفی بنا بر روایت منسوب به امیر مؤمنان علیه السلام «النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۸) فرهنگ جاری در طبقه حاکمیت، در سطح مردم جامعه تأثیر جدی دارد. بنابراین فرهنگ‌سازی صحیح در میان کارگزاران اهمیت ویژه‌ای دارد. اشاره‌های اخلاقی و معنوی حضرت علی علیه السلام در نامه‌هایش به کارگزاران به بیش از ۴۵ مورد می‌رسد. تعداد بسیار اشارات معنوی و اخلاقی در ۵۵ درصد نامه‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، نشان از سهم بالای این اصل در حکومت علوی دارد. اما با توجه به گستردگی نسبی موارد مربوط به این اصل و اصل خدامحوری پرداخت دقیق‌تر به آن مجال دیگری می‌طلبد.

۳-۳. جمع‌بندی تحلیلی کمی

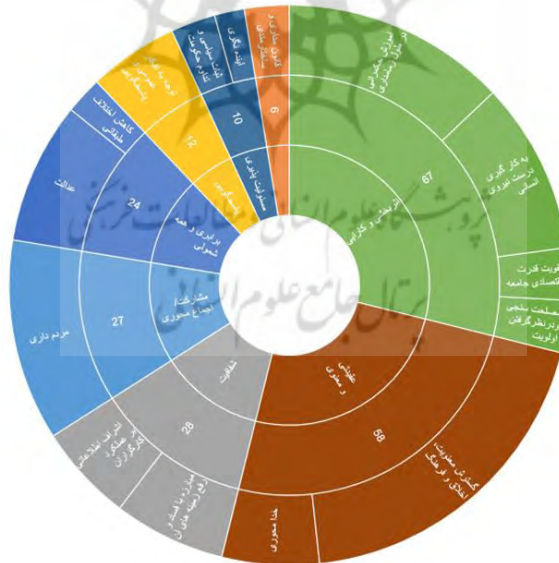
تا کنون پانزده اصل از اصول حکومت‌داری ابلاغی حضرت علی علیه السلام در قالب دو دسته در این

پژوهش مورد تحلیل کمی و کیفی قرار گرفت. همان‌طور که پیش از این اشاره شد برای تحلیل کیفی و کمی جدولی در نرم‌افزار اکسل تهیه شد و کدگذاری‌ها صورت گرفت. برشی از این جدول قابل مشاهده است:

ردیف	جمله	نامه	مخاطب	ترجمه	اصل ۱	اصل ۲	حروف	تعداد	اصولی	موضوع	فرعی	موضوع
۰۰۳	وَفِي يَدَيْكَ مَالٌ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَنْتَ مِنْ خُزَّانِهِ حَتَّى تَسَلَّمَ إِلَيَّ	۵	آنحضرت بن قیصر کارگزار آذربایجان	مالی از مال خدای بزرگ در اختیار توست، و تو از جمله خزانه‌داران او هستی تا آن را به من تحویل دهی.	A01	A05	۱۲۲		بیت‌المالاً مانع الهی	مسئولیت بیت‌المال تا زمان تحویل		

(منبع: یافته‌های پژوهش)

میزان فراوانی تکرار هر اصل در مجموعه مکاتبات رسمی بین حضرت علی علیه السلام و کارگزاران وی در نمودار بعدی آمده است.



نمودار (۳). فراوانی اصول حکمرانی در نامه به کارگزاران

(منبع: یافته‌های پژوهش)

این آمار نشان می‌دهد در میان اصول مشترک با حکمرانی خوب، حدود ۴۰ درصد و در کل اصول ابلاغی حدود ۳۰ درصد موارد، مربوط به اثربخشی و کارایی حکومت است. اثربخشی و کارایی که حضرت علی^{علیه السلام} در نامه‌ها به کارگزارانش ابلاغ می‌کرد، بیشتر از طریق آموزش حکمرانی در طول خدمت، به کارگیری درست نیروی انسانی، تقویت قدرت اقتصادی جامعه و در نظر گرفتن اولویت‌ها دنبال می‌شد. دو اصل اول، فراوانی بیشتری نسبت به دیگر اصول در این مجموعه دارند. اولی موجب به کارگیری مدیران در محل و زمان مناسب است و دومی موجب آگاهی بخشی به آنان در زمان تصدی مسئولیت است. بنابراین به نظر می‌رسد برای حضرت علی^{علیه السلام} مهم‌ترین مسئله‌ای که لازم بود اصلاح شود، شیوه اعمال مدیریت با انتصاب‌های صحیح و دانش‌افزایی کارگزاران بود.

شفافیت، اصل دیگری است که به لحاظ فراوانی در رتبه بعدی تأکیدهای حضرت علی^{علیه السلام} به کارگزاران خود بوده است. به نظر می‌رسد حضرت علی^{علیه السلام} برای شفافیت در امور حکومتی از دو بازویاری می‌گرفتند و کارگزاران را به آن سوق می‌دادند. اولی اشراف اطلاعاتی بر عملکردها و دیگر مبارزه با فساد و رفع زمینه‌های آن.

در این بین، توجه به اصول معنوی و اخلاقی حکمرانی مثل توجه به خدا و روز قیامت، عمل به واجبات و ترک محرمات و کسب فضایل اخلاقی، در کنار اصول اجرایی حکومت بسیار مورد توجه بوده است. تذکر و تکرار این اصول که سهم ۲۵ درصدی دارد، نشان از اهمیت مسائل فرهنگی و دینی برای حضرت علی^{علیه السلام} و تأثیر آن در حکمرانی است.

برای بررسی میزان پرداخته شدن به هر یک از این اصول دو شیوه می‌توان در پیش گرفت. اول اینکه تعداد تکرار هر کد موضوع را بررسی کنیم که تا کنون همین شیوه به کارگرفته شد و دوم اینکه حجم اختصاص یافته به هر اصل را به لحاظ تعداد حروف به کار رفته در متن مربوط بررسی نمایم.

در نمودار زیر نتایج آمارگیری هر دو روش بر اساس درصد قابل مقایسه هستند:



نمودار (۴). مقایسه درصد تعداد و درصد حجم متن مربوط به هر اصل

(منبع: یافته‌های پژوهش)

نمودار اخیر نشان می‌دهد نتیجه استفاده از هر یک از دو شیوه، نتایج تقریباً مشابهی دارد. اما با مقایسه حجم هر اصل در نامه‌های حضرت علی علیه السلام معلوم می‌شود، مطالب مربوط به گسترش اخلاق، معنویت و فرهنگ و نیز اصل کاهش اختلاف طبقاتی نسبت به دیگر اصول موجود در نامه‌ها بیشتر به تبیین و توضیح نیاز داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

تحلیل محتوا روشی مناسب برای تحلیل مجموعه‌ای قابل توجه در زمینه فقه‌الحدیث است که در این پژوهش نتایج زیر را مشخص می‌کند:

نامه‌های حضرت علی علیه السلام به فرمانداران خود که مجموعه‌ای همگون را درباره روند حکومت‌داری در بر دارد با هدف هماهنگ‌سازی بدنه حاکمیت با تراز حکومت اسلامی صورت گرفته است. بررسی آماری و تحلیل‌های کیفی انجام شده وجود دو دسته اصول حکمرانی را در این نامه‌ها نشان داد که در ذیل هر کدام تعدادی اصل کاربردی قرار گرفت. دسته اول، که سهم ۷۵ درصدی داشت، اشتراک‌های قابل توجهی با اصول حکمرانی خوب داشت. این میزان تطابق می‌تواند نشانه‌ای دال بر اشتراک قابل توجه وظایف اجرایی

حکومت‌های دینی و غیردینی باشد. دسته دوم، یعنی اصول عقیدتی و معنوی که بیشتر به طور خاص در مکاتبات حکومت علوی مورد اشاره قرار گرفته بود سهم ۲۵ درصدی داشت. این دسته، نشان می‌دهد در یک حکومت دینی مسائل عقیدتی و دینی در کنار امور اجرایی سهم بسزایی دارد و یکی از نیازهای محوری کارگزاران با تراز حکومت اسلامی است و هر دو دسته اصول حکمرانی، برای اداره حکومت دینی ضروری است. به اصل این تفاوت در پژوهش‌های دیگر اشاره شده بود، ولی شدت آن به لحاظ کمی به صورت روشمند بررسی نشده بود.

تنظیم اصول استخراج شده بر مبنای تعداد فراوانی داده‌های معرف آن، صورت گرفت تا بتوان معیاری برای اهمیت هر اصل و اولویت آن در شرایط سخت و دسترسی آسان‌تر پیدا کرد.

آمار به دست آمده از جدول‌های مربوط به تحلیل محتوا نشان داد، توجه به مردم در قالب دو اصل «مردم‌داری» و «توجه به افکار عمومی و پاسخگویی» موارد دیگری هستند که در مکاتبات حضرت علی^{علیه السلام} بارها به آن اشاره شده است. این میزان تکرار می‌تواند شاهدی باشد، بر اینکه یکی از اهداف مهم حکومت‌داری با تراز اسلامی، خدمت مستقیم به مردم است که خودش زمینه‌ساز افزایش مشارکت آنان است.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.

ابن جوزی، أبو الفرج (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الأمم والملوک، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول، قم، جامعه مدرسین.

ابن مزاحم، نصر (۱۴۰۴ق) وقعه صفین، قم، مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.

ارسطو (۲۰۰۸م). السیاسه، ترجمه سیداحمد لطفی، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب.

انصاریان، حسین (۱۳۸۸). ترجمه نهج البلاغه، قم، دار العرفان.

ثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۹۵ق). الغارات، تهران، انجمن آثار ملی.

جانی پور، محمد و شکرانی، رضا (۱۳۹۲). «رهاوردهای استفاده از روش تحلیل محتوای کمی در فهم احادیث»، دوفصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۷-۵۷.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن: مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، جلد ۱۰.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۶). حکومت و مدیریت در نهج البلاغه، قم، انتشارات دارالحدیث.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم.

رالز، جان (۱۳۸۷). نظریه عدالت، ترجمه محمد کمال سروریان و مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رایف، دانیل؛ استفان لیبسی و فردریک جی فیکو (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، ترجمه مهدخت بروجرودی علوی، تهران، سروش.

شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه، مصحح صبحی صالح. قم، هجرت.

طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.

عبدالحسین زاده، محمد و مهدی عبدالحمید (۱۳۹۷). دانشکده حکمرانی، تهران، پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت.

العسکری، سیدمرتضی (۱۴۱۲ق). معالم المدرستین، تهران، مؤسسه البعثه، مرکز الطباعة و النشر.

عسگری، محمود (۱۳۸۹). قدرت افکنی الزامی برای بازدارندگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فیض‌الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۷۹). ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام.

کتابی، محمود (۱۳۷۶). «فرهنگ، ثبات سیاسی و توسعه ایران در فرایند نوسازی و توسعه»، مجله فرهنگ، شماره ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز، صص ۷۹-۱۰۰.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۵). حقوق جزای عمومی ایران، تهران، دانشگاه تهران.

ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۷). گفتارها، ترجمه محمد حسن لطفی، تهران، خوارزمی.

مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۴). اقتصاد سیاسی، تهران، دانشگاه تهران.

میر احمدی، منصور، (۱۳۹۲). قدرت، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

هابز، توماس (۱۳۸۰). لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی.

- Bevir, Mark. (2012). *Governance; A very short introduction*. Oxford: Oxford university press.
- DiPiazza, Samuel A. (2008). "Confronting corruption". *Pricewaterhouse Coopers*.
URL: https://www.pwc.com/th/en/publications/assets/confronting_corruption_printers.pdf
- Emmert, Philip & Lee Barker, Larry. (1989). *Measurement of communication behavior*. New York: Longman.
- Hsieh, Hsiu-Fang & Shannon, Sarah E. (2005). "Three Approaches to Qualitative Content Analysis". *QUALITATIVE HEALTH RESEARCH*. 15.
- Kioe Sheng, Yap. (2009). "What is Good Governance?". Bangkok: United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific.
URL: <https://www.unescap.org/resources/what-good-governance>
- Krippendorff, Klaus. (2004). *Content Analysis: an introduction to its methodology*. 2nd. Sage Publications.
- Mayring, Philipp. (2014). *Qualitative content analysis: theoretical foundation, basic*. Klagenfurt: SSOAR.

